

بررسی جامعه‌شناختی جنبش فتح‌الله گولن بر مبنای نظریه بسیج منابع

محمد فکری^۱، مینا اینالو،^۲ احمد فکری^۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۷/۱۰

چکیده

در اواسط قرن بیستم میلادی، سعید نورسی، عالم صوفی ترکیه، با تأسی از سنت معنوی اسلام جریان نوریه را با هدف ترویج و هماهنگی میان علم و دین و سنت و مدرنیته بنیان گذاشت. از دل جریان نوریه و در امتداد آن، جنبشی اجتماعی در میان اقشار و اصناف و حلقه‌های محلی جامعه ترکیه با رهبری کاریزماتیک فتح‌الله گولن شکل گرفت که هدف آن عمدتاً خدمت به خلق، ارتقای سطح آموزشی برای همه و بهبود معیشت مردم با الهام از آموزه‌های اسلامی و فرهنگ بومی بود.

گولن امروزه در سراسر جهان به‌عنوان روشنفکری تأثیرگذار شناخته می‌شود. از او با عنوان پدر اسلام اجتماعی در ترکیه یاد می‌شود، اما دامنه نفوذش فراتر از مرزهای ترکیه است. قدرت تأثیرگذاری گولن به حدی است که از فعالیت‌های او و هوادارانش به «جنبش گولن» تعبیر می‌شود. این جنبش، برخلاف اکثر جنبش‌های اسلامی معاصر، سیاسی نیست بلکه اجتماعی-آموزشی است. گولن در رأس شبکه‌ای با عضویت تعداد زیادی از سرمایه‌داران، بازرگانان و دانشمندان قرار دارد که از طریق اداره برخی شرکت‌ها و نهادها، شبکه وسیعی از مراکز انتشاراتی، مدارس، دانشکده‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مراکز فرهنگی در داخل و خارج از ترکیه را تحت پوشش دارند.

این مقاله با استفاده از نظریه «بسیج منابع» دریچه‌ای برای شناخت جنبش گولن و تبیین چرایی شکوفایی و توفیق این جنبش گشوده است. این ابزار نظری همراه با تحلیل بستر تاریخی و سیاسی ترکیه، که موعظه‌های گولن در آنها نقش بسته است و نیز درک مفاهیم اسلامی در ترکیه نظیر بخشش، نیکوکاری، بصیرت در باورها، رستگاری و خدمت به جامعه، شناختی از جنبش گولن به دست می‌دهد.

۱ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی

M.fekri@yahoo.com

۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه علمی-کاربردی Inanloo_mina@yahoo.com

۳ کارشناس ارشد فلسفه غرب، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی A.fekri7@yahoo.com

واژگان کلیدی: فتح‌الله گولن، ترکیه، جنبش‌های اجتماعی، سعید نرسی، بسیج منابع، اسلام.

مقدمه

اسلام در جریان تحولات امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری جمهوری ترکیه نه تنها عاملی کلیدی بوده، بلکه در ساختار هویتی ترکیه نیز نفوذ عمیقی دارد و سالیان سال دین اسلام به نوعی علت وجودی در بقای امپراتوری عثمانی تلقی می‌شد. اما پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و برقراری نوع جدیدی از حاکمیت، یعنی جمهوری، رابطه دین و سیاست در این کشور دچار چرخشی بنیادین شد. اگر تا پیش از این حاکمان بر مبنای قواعد دینی برای خود مشروعیت فراهم می‌کردند و دین در ساختار حکومت نقشی تعیین‌کننده داشت، در عصر جمهوری آگاهانه و عامدانه دین از عرصه‌های سیاسی کنار زده شد و دولتی غیردینی و حتی شاید بتوان گفت ضددینی در ترکیه شکل گرفت. بر اساس برنامه‌های دولت جدید، کلیه عناصر دینی از عرصه سیاسی ترکیه حذف و مظاهر دینی موجود در عرصه اجتماع و فرهنگ نیز با محدودیت‌های شدید مواجه شد. این چرخش ناگهانی و بنیادین در نحوه مواجهه حاکمیت سیاسی با دین موجب شکل‌گیری حرکت‌های اسلام‌گرایانه شد که به مقابله با این جریان اسلام‌ستیزی دولتی برخاستند (حیدرزاده نایینی، ۱۳۸۰: ۱۶-۱۹). از جمله این جریان‌های اسلام‌گرا، که هم‌زمان با اقدامات آتاترک در ترکیه شکل گرفت، جریان «نوریه»^۱ یا «نورسی‌ها»^۲ منتسب به «سعید نرسی»^۳ رهبر این جریان بود. این جریان فکری، که برخی آن را جنبش و برخی هم طریقت می‌دانند، از اواخر دوران امپراتوری عثمانی شروع شد و تاکنون نیز ادامه داشته است. نورسی‌ها پس از مرگ سعید نرسی با تحولات عمده‌ای رویارو شدند. دوران حیات سعید نرسی را به دو عصر مهم می‌توان تقسیم کرد: دوره اول، مرحله پرتنش اواخر دوران خلافت عثمانی و دوره دوم، بعد از شکل‌گیری حاکمیت غیرمذهبی جدید. تحرکات سکولاریستی برآمده از دوره تنظیمات در سال‌های پایانی خلافت عثمانی دغدغه اصلی سعید نرسی بود. همین نگرانی‌ها او را به برقراری ارتباط منظم با سیاستمداران واداشت. او همواره خطرات ناشی از تحرکات سکولار را گوشزد کرد. همین اندیشه‌های اسلام‌گرای او باعث شد تا سکولارها او را خطری برای سیاست‌های جدید اسلام‌زدا تلقی کنند. دومین مرحله مهم زندگی نرسی به پس از استقرار

1 Nurcu

2 Nursilar

3 Said Nursi

نظام جمهوری و اوج‌گیری برنامه‌های اسلام‌زدایی برمی‌گردد؛ دوره‌ای که نوری اقدام به ایجاد جنبش نور در سال ۱۹۲۰م کرد. در سال ۱۹۲۱م، او مشرب فکری خود را در قالب جزوات و رسائلی منتشر کرد (سیاری، ۱۳۷۶: ۹۵-۹۳). تا پیش از فروپاشی خلافت عثمانی و اقتدار تدریجی آتاترک، این دو تعامل احتیاط‌آمیزی با یکدیگر داشتند. دلیل این امر، باوجود تفاوت ماهوی اندیشه آنها، به محبوبیت و نفوذ اجتماعی هردو آنها در جامعه ترکیه بازمی‌گشت. مصطفی‌کمال‌پاشا ازسویی به دلیل توفیق‌هایی که در جبهه‌های جنگ برای کشورش حاصل کرد بین مردم محبوبیتی خاص یافت. ازسویی دیگر، سعید نوری در کسوت یک عالم دینی برجسته احترام و نفوذ زیادی نزد مردم مسلمان ترکیه داشت، اما پس از الغای خلافت عثمانی و ریاست جمهوری مصطفی‌کمال‌پاشا، تعامل این دو به تقابل انجامید که فرجامی جز خلاصه‌شدن زندگی سعید نوری در زندان و تبعید در عصر حاکمیت جمهوری در ترکیه نداشت. البته نوری در تبعید نیز با ادامه فعالیت‌های خود رفته‌رفته توانست جنبش نوریه را با تمایلات اسلام‌گرایانه شکل دهد. مقامات ترکیه هربار که متوجه می‌شدند او در منطقه تبعیدش هواداران و پیروانی به دست آورده، محل تبعید او را به گوشه‌ای دیگر از کشور تغییر می‌دادند، اما باز هم نوری می‌توانست مردم را جذب کند. به دنبال خاتمه نظام تک‌حزبی و آزادی فعالیت سایر احزاب سیاسی، جریان نوریه توانست علناً فعالیت کند. این جریان تا سال ۱۹۶۰ که نوری زندگی را وداع گفت در سراسر ترکیه طرفداران فراوانی پیدا کرد (یاووز،^۱ ۲۰۰۳: ۳۷). کتاب رساله نور^۲ نوشته سعید نوری، مبین اصول اساسی این طریقت است. نوری‌ها در حال حاضر نیز نشریات گسترده‌ای دارند که روزنامه ینی‌نسیل^۳ یکی از آنهاست (زارع، ۱۳۸۳: ۲۵۴).

بعد از سعید نوری، تلاش‌هایی برای تبدیل نوریه به یک جنبش تشکیلاتی صورت گرفت که منجر به تقسیم بدنه جنبش در میان چهره‌های شاخص نوریه شد. فتح‌الله گولن،^۴ روحانی سرشناس ترکیه، برجسته‌ترین عضو جریان نوریه بود که از دهه هفتاد میلادی کوشید تا نحله نوریه را به مکتبی جدید در عرصه اندیشه اسلامی ترکیه تبدیل کند (نورالدین، ۱۳۸۳: ۲۴۴).

1 Yavuz

2 Nur Risalesi

3 Yeni Nasil

4 Fethullah Gülen

شروع فعالیت‌های گولن

گولن خطیبی تواناست که از ۱۴ سالگی خطابه ایراد می‌کرده است. وی بیشتر آموزش‌های دینی خود را نزد پدر و در تکیه محله‌شان نزد علما و متصوفه فراگرفت. پدرش، علاوه بر آموزه‌های دینی، زبان عربی و فارسی را هم به او آموخت. وی از آغاز فعالیت‌های تبلیغی دینی‌اش به نسل جوان، به‌ویژه دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان، توجه ویژه‌ای داشت که همین امر باعث می‌شد تا بسیاری از آنان پس از فراغت از تحصیل به جنبش وی بپیوندند و مروج اندیشه‌های او باشند. موعظه‌های گولن شامل طیف وسیعی از موضوعات و محورهاست؛ از مباحثی مانند نظریه تکامل گرفته تا شیوه‌های جدید آموزش، علوم، اقتصاد و عدالت اجتماعی. وی خطابه‌های دینی‌اش را با احساسات، عواطف و بیانی رسا همراه می‌کند و هنگام موعظه اشک بر گونه‌اش جاری می‌شود. همین امر سبب نفوذ دوچندان او در دل مردم می‌شود. فیلم جلسات وعظ او میان هوادارانش دست‌به‌دست می‌چرخد و تکثیر می‌شود. بعضی از کتاب‌های او از پرفروش‌ترین کتاب‌ها در ترکیه هستند. ارتباط شبکه‌ای یکی از ویژگی‌های اسلام در ترکیه است. در گذشته، هسته مرکزی این ارتباط شبکه‌ای را طریقت تشکیل می‌داد که در رأس آن یک شیخ قرار داشت و تازه‌واردان بعد از تشریف به نخستین مرحله شاعر دینی، با او میثاق وفاداری می‌بستند. در دنیای جدید، ارتباطات نو، که از طریقت انعطاف‌پذیرتر است، جایگزین آن شد. زیرا رهبران بدون شناخت شخصی پیروانشان آنها را از طریق تکنولوژی ارتباطی جدید هدایت می‌کنند (باووز، ۲۰۰۳: ۷۵).

گولن طی چند دهه شبکه‌ای از طرفداران ایجاد کرد که دانشجویان، متفکران، صنعتگران ساده و بازرگانان موفق را شامل می‌شود. بازرگانان شرکت‌ها و روزنامه‌هایی را جهت تبلیغ افکار گولن راه انداختند. هدف آنها نه کسب درآمد، بلکه صرفاً ترویج ارزش‌ها و برداشت‌های گولن از اسلام بود. مأخذ دینی جنبش گولن تعالیم سعید نوری، یکی از مهم‌ترین احیاگران اسلام ترکیه در نیمه اول قرن بیستم، بود. او از اولین عالمان اسلامی بود که با تأسی به تفکر پوزیتیویستی قصد داشت اسلام را برای سازگار کردن آن با مدرنیته بازخوانی کند.

سعید نوری سودای آشتی اسلام را با مدرنیسم در سر می‌پروراند، اما گولن خواستار آشتی اسلام با کمالیسم است. او همچنین مصمم به تطبیق کمالیسم با جریان اصلی محافظه‌کاری ترک‌ها جهت بازگشت رفتار مذهبی به فضای عمومی کشور است و با حمایت از اسلامی معتدل، که مخالف هر نوع مقاومت و خشونت علیه نظم موجود است، لزوم ایجاد وضعیتی باثبات را تعلیم می‌دهد. بسیاری معتقدند که گولن، «مارتین لوتر ترک» است، به این معنا که او مروج اسلام ملی ترک به زبان ملی است. فتح‌الله گولن و پیروان او پدیده‌ای هستند که در دو

دههٔ اخیر، به‌خصوص دههٔ ۱۹۹۰م، علاوه بر آموزش و تجارت در صحنهٔ سیاست ترکیه نیز نقش مهمی برعهده گرفتند. طریقت نوریه منتسب به سعید نوری اعتقاد عمیقی به فعالیت‌های آموزشی و علمی برای تحول جامعه دارد. به‌طوری که نوری فعالیت خود را با برنامه‌ریزی درجهت ایجاد دانشگاهی شبیه الازهر در شهروان ترکیه آغاز کرد. بعد از مرگ او، پیروانش راه او را پی گرفتند که موفق‌ترین آنها فتح‌الله گولن بود. به عقیدهٔ گولن در سطح جهان باید نسل طلایی آفریده شود، نسلی که به اوصاف پیامبر(ص) متصف است. او برای تحقق این پروژه در سطح جهان هزاران مدرسه، آموزشگاه و خوابگاه دانشجویی تأسیس کرده است. این دومین مرحلهٔ پروژهٔ انتقال خدمات آموزشی و تبلیغی به خارج از ترکیه بود که منجر به افتتاح مؤسسات آموزشی در ۵۲ کشور جهان شد (اباگ،^۱ ۲۰۱۰: ۲۹-۲۶).

جنبش فتح‌الله گولن در مرحلهٔ رشد جنبش‌ها و طریقت‌های دینی در ترکیه، یعنی در دههٔ هشتاد قرن بیستم میلادی، سربرآورد. پس از کودتای نظامی به رهبری کنعان اورن^۲ در سال ۱۹۸۰ و تصمیماتی که دولت نظامی او درباب آزادی اقتصاد، خصوصی‌سازی مطبوعات و فراهم‌آوردن فرصت‌های کاری بیشتر برای سازمان‌های غیردولتی و از جمله سازمان‌ها و جماعت‌های دینی اعلام کرد، طریقت‌های دینی نیز رو به شکوفایی نهادند. در این میان، طریقت نوریه هم به‌دست گولن احیا شد. هدف اصلی جنبش گولن ایجاد جامعهٔ اسلامی متعهد و درعین‌حال مترقی و برخوردار از علم و معرفت و فن‌آوری جدید است تا بدین طریق دوران تفوق جهان غرب بر جهان اسلام به‌سرآید. امروزه، نام فتح‌الله گولن با اصطلاح اسلام روشنگر یا معتدل ترک گره خورده است، چراکه او با هوادارانش جنبش دینی - سیاسی مدرنی را تأسیس کردند که با پیوند دادن مدرنیته و دین‌ورزی و ناسیونالیسم و تسامح و مردم‌سالاری، اسلام و ناسیونالیسم و آزادی‌خواهی را در کانون واحدی گردآورده است. بسیاری از مطبوعات جهان غرب گولن را رهبر جنبش اجتماعی اسلامی قومیت‌گرا و غیرستیهنده با غرب می‌دانند که آیندهٔ خاورمیانه را به‌سوی اسلام اجتماعی جهت می‌دهد، اما مخالفان گولن معتقدند که او بیشترین خطر را برای لائیسیتتهٔ ترکیه دارد و او را متهم می‌کنند که از طریق اسلامی‌سازی فعالیت‌های اجتماعی، در پی ریشه‌کنی بنیاد لائیک دولت ترکیه است (تورام،^۳ ۲۰۰۷: ۳۲).

1 Ebaugh
2 Kanan Oren
3 Turam

گستره جنبش گولن

گولن توانسته از طریق فعالیت‌های آموزشی افرادی را جذب کند که ایده‌های او را از نظر مالی و کاری حمایت می‌کنند. او به این ترتیب، از طریق این حمایت‌ها، توانسته فعالیت‌هایش را توسعه دهد و خانه‌هایی برای تدریس علوم روز ایجاد کند و خوابگاه‌هایی نیز تأسیس کند. ناآرامی‌های اواخر دهه ۱۹۷۰ باعث شد گولن و پیروانش به تدریس در مدارس عمومی روی بیاورند؛ انگیزه اصلی آنان مقابله با چپ‌گرایانی بود که مسبب ناآرامی‌های اجتماعی بودند. در همین زمان، او اولین درس‌خانه^۱ (مرکز مطالعه برای کنکور) را تأسیس کرد. گولن به تدریج توجهش را از فرد به جامعه معطوف ساخت. او دیگر به دنبال ایجاد قشر نخبه ترک با جهت‌گیری مدرن و اسلامی برای هدایت کشور بود. او به این نتیجه رسید که مدارس با موضوعات غیردینی می‌توانند در خدمت نیازهای دینی باشند. او در پی ایجاد مدارس سکولاری بود که معلمان آن انگیزه مذهبی داشته باشند و بر ارزش‌های ترکی اسلامی تأکید کنند. در همین زمان، دولت نیز برای اولین بار اجازه داد که مدارس خصوصی تأسیس شوند. اولین گام‌های به وجود آمدن اخلاق آموزشی در همین مقطع برداشته شد. گولن می‌خواست نخبگانی ایجاد کند که ایده‌های او را برای شکل‌دادن به جامعه اجرا کنند. او به این نتیجه رسیده بود که یک بوروکرات یا تاجر بیشتر می‌تواند جامعه را شکل دهد تا یک واعظ مذهبی، چون بخش دینی جامعه بسیار حاشیه‌ای و محدود است. او آموزش ارزش‌های اسلامی ترکی را راه خدمت مسلمانان به جامعه خود می‌دانست. در ۱۹۹۰، جهت‌گیری او جهانی‌تر شد. گولن بر جنبه‌های جهان‌شمول اخلاق اسلامی تأکید کرد و گروه‌های وسیع‌تری را جذب کرد. پیروان او بر آن بودند که این نوع آموزش راهی است که ترکیه از طریق آن می‌تواند در کنار جهانی‌شدن هویت خود را نیز نگه دارد. آنها می‌گفتند آموزش به برقراری ارتباط با افراد دیگر و حل اختلافات کمک می‌کند (شیمشک، ۲۰۰۴: ۱۲۵).

هواداران گولن، با وجود نفوذ اجتماعی، آموزشی، رسانه‌ای و اقتصادی فراوان او، از اینکه خود را گروه یا جنبش گولن بخوانند پرهیز می‌کنند. گروه فتح‌الله گولن حزبی تشکیلاتی همراه با سلسله‌مراتب نیست، بلکه بیشتر به جناحی شباهت دارد که پیرامون گولن گرد آمده است. این گروه باعث شده شبکه‌ای با عضویت تعداد زیادی از سرمایه‌داران، بازرگانان و دانشمندان شکل بگیرد که از طریق اداره برخی شرکت‌ها و نهادها، شبکه وسیعی از مراکز انتشاراتی، مدارس،

1 Darshane

2 Simsek

دانشکده‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مراکز فرهنگی در داخل و خارج از ترکیه را زیر پوشش بگیرد (یاووز، ۲۰۰۳: ۱۷۵). شهر ارزروم، مرکز نفوذ فتح‌الله گولن به‌شمار می‌رود. نفوذ او در داخل و خارج ترکیه از آغاز دهه هشتاد و از زمانی افزایش یافت که او و گروهش به همراه چند سرمایه‌دار سعودی شرکت‌های مشترکی تأسیس کردند. گولن بلافاصله بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، در سال ۱۹۹۱، به تأسیس مدارس خصوصی و سرمایه‌گذاری در جمهوری‌های آسیای میانه مبادرت کرد. گولن هدف خود را از اقداماتش چنین بیان می‌کند: «نمی‌توانم ادعا کنم که بر همه زوایای درونی‌ام اشراف و آگاهی دارم. آنچه می‌توانم در مورد نیت درونی‌ام بگویم این است که من قصد ندارم فراتر از یک بنده ساده که رضایت خداوند را جستجو می‌کند باشم. می‌خواهم به این حدیث شریف، که می‌گوید بهترین شما کسی است که بیشترین خدمت را به مردم می‌کند، عمل کنم و یکی از کسانی باشم که در جهت منافع مردم خدمت می‌کنم» (همان: ۱۸۱).

این جریان امکانات بسیار گسترده‌ای در سراسر جهان دارد. آنها همچنین شبکه‌های تلویزیونی خصوصی و روزنامه پرتیراژ زمان^۱ را در اختیار دارند که در کنار مؤسسات متعدد انتشاراتی متعلق به گولن توانسته‌اند خود را از نیروهای اصلی پرنفوذ در جامعه ترکیه معرفی کنند. این جریان دارای حدود ۲۰۰ مدرسه در خارج از ترکیه، در افغانستان، آسیای مرکزی، قفقاز، بالکان، آفریقا و اروپاست، که در این مراکز مباحث روز به دانش‌آموزان آموخته می‌شود (همان: ۱۹۹).

گولن در طی این سال‌ها توانسته است با در نظر گرفتن حساسیت‌های ارتش ترکیه و برخی کشورها به حرکت‌های اسلام‌گرایانه، به‌گونه‌ای اقدامات خود را پیش ببرد که به مقابله با ارتش و دولت‌های سکولار کشیده نشود؛ با وجود این، در ترکیه دوبار به زندان افتاده و اکنون نیز امریکا را محل اقامت انتخاب کرده است. فتح‌الله گولن امروزه از قدرت‌های مالی و فرهنگی ترکیه و نیز جهان اسلام محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های عظیمی که او برای تعلیم و تربیت در خارج از مرزهای ترکیه انجام داده، باعث شده است که مردم و دولت ترکیه به او به‌عنوان فردی نگاه کنند که حوزه نفوذ ترکیه را در سراسر جهان گسترش می‌دهد. گولن همواره در قبال جدال‌های نهادهای دولتی لائیک با اسلام سیاسی واکنشی خنثی و بی‌طرفانه اتخاذ کرده است و خود را اهل تسامح و تساهل نشان می‌دهد. با وجود تمام این ملاحظات، گولن بارها از جانب گروه‌های لائیک به آموزش‌های ضد لائیکی در مدارس خود متهم شده است. اما تاکنون این اتهامات اثبات

نشده و اقدام عملی چندانی برای مقابله با فعالیت‌های آموزشی او صورت نگرفته است. فتح‌الله گولن به‌عنوان یک روحانی دینی علاوه بر آنکه در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و آموزشی موفق شناخته می‌شود، در وعظ و خطابه نیز شخصیت قدرتمند و توانایی است. مردم سخنرانی‌های او را در مساجد با حساسیت خاصی دنبال می‌کنند و صحبت‌های او از شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های مختلف منتشر می‌شود (دوغانو و کارا، ۱۳۸۰: ۲۱۶-۲۱۳).

پیروان گولن برای ترویج عقاید او سازمان‌های گوناگونی تأسیس کرده‌اند؛ برای مثال، «بنیاد معلمان ترک»^۱ ماهنامه‌ای به نام سیزینتی^۲ (تراوش) و دو نشریه علمی با عناوین یئنی/ومیت^۳ (امید تازه) و فوتتاین^۴ (سرچشمه) منتشر می‌کند. آنان همچنین همایش‌های ملی و بین‌المللی، میزگرد و کنفرانس‌های متعددی برگزار می‌کنند. یکی دیگر از بنیادها به نام «بنیاد روزنامه‌نگاران و نویسندگان»^۵ روشنفکران سکولار و اسلام‌گرا را در نشست‌هایی که «ابانت پلتفرمو»^۶ نامیده می‌شود گرد هم می‌آورد و این طرز تلقی را مطرح می‌کند که هیچ فرد و گروهی حق ندارد خود را مفسر انحصاری اسلام بداند و سکولاریسم نیز به‌معنای ضد‌مذهب بودن نیست (آگای، ۱۳۸۶: ۳۴).

مدارس گولن از همان سرفصل‌هایی استفاده می‌کنند که مدارس دولتی ارائه می‌دهند. آنها تحت کنترل شدید دولت هستند، اما بر ارزش‌های محافظه‌کارانه مانند رفتار نیک و احترام به بزرگ‌ترها تأکید می‌کنند. بودجه این مدارس را اعضای جماعت تأمین می‌کنند و مربیان و آموزگاران آنها از دانش‌آموختگان بهترین دانشگاه‌های ترکیه هستند؛ کیفیت آموزش مدارس نیز بسیار بالاست.

پیروان گولن در سال ۱۹۹۶ «آسیا فاینانس»^۷ را تأسیس کردند که در سال ۲۰۰۷ به «بانک آسیا» تغییر نام داد. این بانک مبتنی بر بانکداری بدون رباست و ۱۶ شریک از آن حمایت مالی می‌کنند. سرمایه اولیه بانک ۱۲۵ میلیون دلار و هدف آن جمع‌آوری پول برای سرمایه‌گذاری در جمهوری‌های ترک‌زبان استقلال‌یافته از شوروی است. گولن امیدوار است

1 Turkish Teacher's Foundation

2 Sizinti

3 Yeni Umit

4 Fountain

5 Journalists and Writers Foundation

6 Abant

7 Asia Finance

بدین ترتیب توجه بازرگانان ترکیه را به سوی کشورهای تازه‌تأسیس جلب کند و باعث تحکیم مناسبات ترکیه با این کشورها شود (ارس و کاهان، ۱۳۸۱: ۷۰).

اندیشه گولن

فتح‌الله گولن در میان مردم ترکیه به چند چیز شهره است: فعالیت در حوزه بین‌الادیانی، سازگار کردن اسلام و لائیسیت، محکومیت علنی خشونت تحت نام اسلام و بالاتر از همه، توجه به اهمیت والای آموزش در اسلام (خیرخواهان، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

آثار و مکتوبات گولن حاکی است که او چندان رغبتی به عرضه یک نظام الهیاتی نو و بدیع یا حتی جهت‌گیری انقلابی ندارد. بلکه بیش‌ازهرچیز در اندیشه یافتن جایگاهی درخور برای اسلام در موقعیت جدید و حفظ آن است. به اعتقاد گولن، انسان امروز در روزگار علم و تکنولوژی زندگی می‌کند؛ زمانه‌ای که فراروی آدمی دو راه بیشتر وجود ندارد: بکوشد زمانه خود را به‌شیوه‌ای دینی شکل دهد یا اینکه هرگونه نفوذ و نقش عامل بیرونی را حذف کند. به‌زعم گولن، نارضایتی و ناخرسندی هیچ‌گاه نتوانسته است تاریخ را بسازد، لذا او با رد هرگونه رویکرد انقلابی، فرآیند اصلاح اجتماعی را بر هر راه‌کار دیگر ترجیح می‌دهد.

به‌نظر گولن، علم مدرن ابزاری است که به مدد آن و با مطالعه در مخلوقات، درک عقلانی‌تری از خداوند و جهان به دست می‌آوریم. حفظ دین در عصر مدرن فقط بر این نهج استوار است و بس. مدارس سکولار که درعین‌حال توجهی هم به دین داشته باشند، باعث تحکیم پایه‌های این علم مدرن خواهند شد. به‌گمان گولن، علم شکل دهنده ارکان رفاه اقتصادی، یک‌پارچگی اجتماعی و استقلال ملی است. همان اهداف اصولی و اساسی که ضامن حفظ نظام مدرن و نیز اسلام مدرن خواهند شد (آگای، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۰).

گولن یک نظام اخلاقی ناظر بر اعمال خیر طراحی می‌کند که دو کارکرد مهم دارد: هم برای فعالان اسلام‌گرا این امکان را فراهم می‌آورد که به اتکال این نظام اخلاقی، جایی در اجتماع داشته باشند و هم اصول اعتقادی و شعائر اسلامی را ترفیع و تقویت و شایسته زندگی می‌کند. هر کار و عملی که در مسیر اهداف اسلامی باشد، عملی خواهد بود که در خدمت خداوند و کار و آموزش منطبق با عالی‌ترین ارزش‌های اسلامی است.

در اندیشه گولن، ترفیع و تقویت شعارها و اصول اسلامی منوط به اجتناب از مفاصد و بی‌لیاقتی در سطح سازمان‌هاست. در این‌میان، اتخاذ تدابیری لازم است که به اتکال آنها فرد مسلمان بتواند، به نحو احسن، تکالیف الهی و اسلامی خود را ادا کند. این تدابیر باید به‌گونه‌ای طراحی شود که از طریق تأکید بر راه‌کارهای عینی و عملی، بر غنای مفاهیم و شعائر اسلامی

بمفزاید. گولن بیش و پیش از هر چیز به دنبال اشاعه و گسترش سازمان‌هایی است که (خود گولن آنها را «جماعت»^۱ می‌نامد) مورد حمایت هوادارانش قرار گیرد. این سازمان‌ها به زعم گولن وسیله‌ای هستند که می‌توان به کمک آنها رستگاری فردی را با علایق و اهداف گروهی یا حتی اهداف کلی جامعه معاوضه کرد. در واقع، از طریق این سازمان‌ها، رستگاری فردی آن قدر گسترش می‌یابد که گروه یا کل جامعه را پوشش می‌دهد. به این ترتیب، گولن صورت‌های سازمانی هواداران خود و نیز تدابیر و استراتژی‌های آنها را اسلامی می‌کند. این هردو (سازمان و استراتژی) باید به قدری منعطف و ملموس باشند که مردمان بیشتری قادر باشند اهداف آنها را درک کنند. از نظر او، یگانه‌راه تغییر جامعه تغییر افراد است (ارس و کاه، ۱۳۸۱: ۶۵-۶۳).

گولن دشمنان امت اسلامی را جهل، فقر و تفرقه و راه مقابله با آنها را دانش، کوشش و اتحاد می‌داند. او بر آن است که جمع میان حقیقت، معرفت، تربیت و دانش پایه‌های اصلی سعادت‌اند و این جمع در توازن میان ایمان، دانش، دل و عقل حاصل می‌شود. فقدان دانش را منشأ تعصب و تقلید و فقدان دین را منشأ شبهه و انکار می‌داند. برای رفع دغدغه‌های کنونی مسلمانان به این امر قائل است که: «راه‌حل نه چنانچه در غرب مطرح است، در فکر و عقل صرف است و نه آن گونه که در شرق مطرح است، در قلب و روح. بلکه راه‌حل در تربیت متکی بر روشنگری عقلی-فکری و معنوی-قلبی و در عمل متکی بر بخشش و اتحاد است نه تفرقه». پس از مرگ سعید نورسی، فتح‌الله گولن نیز همانند نورسی جریان اسلام‌گرایی را از مجاری فرهنگی و اجتماعی پیگیری می‌کند و چندان علاقه‌ای به دخالت مستقیم در سیاست ندارد (قهرمان پور، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

در زمان ورود گولن به فضای فرهنگی و اجتماعی ترکیه سه موضع اصلی در باب مدرنیته و غرب مطرح بود:

۱. کمالیسم: نخبگان کمالیست، که عمدتاً تحصیل کرده فرانسوی بودند، عمیقاً به ماتریالیسم و پوزیتیویسم گرایش داشتند. آنها برای اثبات غیرعقلانی بودن دین از داروینیسم بهره می‌بردند و علت اصلی عقب‌ماندگی ترکیه را دین و فقدان تکنولوژی علمی می‌پنداشتند. از دیدگاه کمالیست‌ها تحول علمی مستلزم تحول فرهنگی و پاگرفتن علم در ترکیه منوط به تغییر فرهنگ دینی و خرافی ترکیه است. بدین‌سان، آنها نه تنها بر تغییر در حوزه علمی و تکنولوژیک، بلکه بر ضرورت تغییر در کل جامعه اصرار می‌ورزیدند. به تعبیر خودشان، اروپا گلی است که باید آن را با خارهایش پذیرفت.

1 Cemaat

۲. سنت‌گرایان: سنت‌گرایان برعکس کمالیست‌ها بی‌دینی را علت سقوط عثمانی و علم غربی و مدرنیته را مخالف اسلام می‌دانستند. به باور آنها، باید از ارتباط با دولت مدرن و نهادهایش از جمله آموزش اجتناب کرد. آنها در نتیجه این طرز تفکر در جامعه مدرن ترکیه به حاشیه رفتند و موقعیت اجتماعی‌شان تنزل کرد.

۳. سعید نوری: او با اذعان به اهمیت علم، به ارتباط درونی علم و اسلام قائل بود؛ به عبارت دیگر، اسلام به مسلمانان حکم می‌کند علم بیاموزند و اساساً علم‌آموزی در راستای مسلمانی است. اما او با تذکر خطر پیروی کورکورانه از پوزیتیویسم، رسیدن به فهمی بومی از علم را برای مسلمانان تجویز می‌کرد و این فهم را چنین ترسیم می‌کرد که علم برای فهم قوانین طبیعت و هنر آفریدگار لازم است (تاتاری، ۲۰۰۸: ۷۹).

گولن که خود در مدارس دینی تحصیل کرده بود و در همان ایام با نوشته‌های نوری آشنا و تبدیل به یکی از اعضای فعال جماعت پیروان او شده بود، سعی داشت تا بین دانش علمی و الهی اتحاد برقرار کند. او طی فعالیت‌هایش متوجه شد که جوانان به دلیل سیاست‌های دولت از دانش دینی بی‌بهره‌اند، لذا در اولین اقدام خود یک اردوگاه تاپستانی نزدیک از میر برپا کرد که در آنجا متون کلاسیک دینی و تعلیم نوری تدریس می‌شد و نحوه صیانت از هویت اسلامی در جامعه سکولار را به دانش‌آموزان می‌آموختند.

گولن سه هدف اصلی را در فعالیت‌های خود دنبال می‌کند: اولاً در پی آگاهی‌بخشی به مسلمانان است؛ ثانیاً، درصد برقراری رابطه میان علم و دین و ابطال آموزه‌های ماتریالیسم است؛ ثالثاً، می‌خواهد با تجدیدنظر در قرائت سنتی از اسلام، خاطره جمعی مسلمانان را بازسازی کند. راهی که او برای رسیدن به این اهداف برگزیده آموزش است. او می‌خواهد از مجرای آموزش نسلی طلایی ایجاد کند؛ نسلی که ایمان، دانش، اخلاق و هنر را به هم می‌آمیزد و می‌تواند منشأ تحولات مطلوب و موردنظر گولن شود. اما خصوصیات این نسل طلایی از دیدگاه گولن چیست؟

اولین خصوصیت این نسل ایمان است که هدف را به مؤمن نشان می‌دهد. علم نیز تنها زمانی که در جهت اهداف مؤمنانه استفاده شود مفید خواهد بود. در تصور گولن از نسل طلایی، عشق نیز جایگاهی اساسی دارد. نسل طلایی نسلی بامحبت است که به انسان و انسانیت عشق می‌ورزد. ویژگی دیگر این نسل آرمان‌گرایی و از خودگذشتگی است. این نسل ارزش‌های اخلاقی را از مجرای دانش جامعه عمل می‌پوشاند که یکی از اقسام توصیه شده این عمل همان فعالیت آموزشی است. درحقیقت، این ایده‌آلی که از نسل طلایی ترسیم می‌شود نقدی به ایده‌آل کمالیستی است. ارزش‌های مورد تأکید گولن جایی در الگوی کمالیستی ندارند.

مفهوم نسل طلایی رفته‌رفته از مفهومی منفصل به مفهومی جهان‌شمول تحول یافت و با این تحول هرچه بیشتر با جهانی‌شدن همراه شد. نسل طلایی دیگر قرار نبود تنها منجی ترکیه یا مسلمانان باشد؛ بلکه، در صورت شکل‌گیری، نجات‌بخش جهان بود. از نظر گولن، مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری این نسل معلمان ایفا می‌کنند، چراکه با تلفیق علم و خرد در عمل، آن را با ارزش‌های اسلامی می‌آمیزند. به نظر گولن و پیروانش، علم ماتریالیستی تهی‌شده از ارزش‌ها مسئول جنگ و بدبختی است. برای اینکه مسئله جادابودن ارزش از واقعیت این تالی منطقی را در پی دارد که فعالیت علمی در برابر پیامدهایش هیچ مسئولیتی ندارد.

گولن با طرح این رسالت سنگین برای معلمان و تأکید بر حرفه مقدس معلمی توانست وجوهات مذهبی را از مساجد به مدارس هدایت کند. دلیل این امر آن بود که او تأکید داشت فهم خلقت مستلزم دانش است؛ در نتیجه، حرفه پرورنده و انتقال‌دهنده این دانش نیز قداست دارد. او تا بدانجا این استدلال منطقی را دنبال می‌کند که معلمی را راهی برای رستگاری می‌شمارد (کدیور، ۱۳۸۶: ۵۲).

در گفتمان آموزشی گولن مفهوم ارشاد نیز نقشی کلیدی دارد، لیکن باید توجه داشت که ارشاد در گفتمان او دایره مفهومی فراخ‌تر و فحوایی متفاوت با معنای سنتی‌اش دارد. در گفتمان سنتی، ارشاد تنها به معنای هدایت به سمت ارزش‌های دینی و تبلیغ مذهبی است، ولی گولن آموزش هر علمی را ذیل ارشاد قرار می‌دهد؛ فقط تدریس در مدارس مذهبی ارشاد نیست. وقتی معلم در مدرسه‌ای غیرمذهبی تدریس می‌کند و بدین‌نحو روح دیگران را نجات می‌دهد و راه درست را به آنها نشان می‌دهد، فعالیت او هم ارشاد قلمداد می‌شود. در این میان، باید به تغییر فحوای مفهوم تبلیغ نیز اشاره کرد. از نظر گولن، معلم نیز باید به تبلیغ اسلام بپردازد، ولی این تبلیغ نیز با تبلیغ سنتی متفاوت است. در معنای سنتی، شخص مبلغ تعالیم دینی را برای مستمعان بیان می‌کند و به اصطلاح تبلیغ را از راه موعظه پیش می‌برد، ولی معلمانی که گولن می‌پروراند نه به تدریس علوم دینی بلکه به تدریس علوم تجربی و دقیقه اشتغال می‌ورزند، ضمن اینکه سعی می‌کنند از نظر اخلاقی برای دانشجویان الگو باشند. آنها به صورت مستقیم به تبلیغ تعالیم اسلامی نمی‌پردازند، بلکه سعی می‌کنند از طریق اعمال و رفتارشان و تخلق به ارزش‌های مذهبی و تمثل آنها، برای دانش‌آموزان الگو و اسوه باشند (یاووز، ۲۰۰۳: ۱۹۴).

کار به عنوان وظیفه مقدس

خدمت نیز یکی از مفاهیم اصلی گفتمان گولن است. از منظر گولن، خدمت یعنی شخصی خودش را برای اسلام دیگران وقف کند، یعنی به گونه‌ای به آنان کمک کند که توشه‌ای برای

آخرتشان باشد. گولن به‌شخصه فردی سخت‌کوش و ساعی است. او تأکیدش بر کار و خدمت را به‌تمامی با مرگ درهم می‌تند و در مواعظش بسیار به مرگ اشاره می‌کند. می‌گوید چون مرگ درپیش است، باید به‌شدت کار کنیم تا سعادت و رستگاری‌مان را تحقق بخشیم. در گفت‌وگو، گولن، کارکردن عملی مذهبی است و در توجیه این آموزه می‌گوید که هرچه بیشتر کار کنیم پول بیشتری برای صرف در راه اسلام اندوخته می‌شود. پس بدیهی است هرچه بیشتر کار کنیم بیشتر به اسلام خدمت کرده‌ایم. کار همچنین گونه‌ای تهذیب نفس هم هست. او در این میان اشاره می‌کند که آموزش نیز کاری مقدس است، لذا صرف پول در آن هم عملی مقدس محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر، اگر کسی کار کند و پولی بیندوزد، وقتی آن پول را خرج آموزش کند، پولش را صرف کاری مقدس کرده است، پس کارش هم مقدس بوده است. به نظر گولن، اینکه تنها روح خود را نجات دهیم کافی نیست، بلکه وظیفه داریم برای نجات و رستگاری روح دیگران نیز بکوشیم. حال این نجات دیگران دو راه دارد: یا انسان خود وارد کار آموزشی و معلمی می‌شود، یا کار دیگری می‌کند و پولش را در کار آموزشی صرف می‌کند.

این تأکید گولن بر مقوله کار شباهت زیادی دارد به اخلاق پروتستانی و زهد این‌دنیایی که ویر در کتاب کلاسیک *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*^۱ مورد بررسی قرار داده است. در هردوی این تفاسیر دنیا محلی فضیلت‌مند است، یعنی محلی است که تلاش در آن باعث سعادت‌مندی انسان می‌شود. هردو سعی می‌کنند دنیا را در راه آرمان زاهدانه‌شان تغییر دهند و نکته مهم اینجاست که این تغییر را به‌وسیله عقلانیت انجام می‌دهند. تلقی گولن از خدمت معادل زهد این‌دنیایی در اندیشه پروتستانی است. آنها، برعکس تفاسیر گذشته، ضمن ستایش از تحصیل مال با تجمل‌گرایی و نه صرف انباشت سرمایه میانه‌ای ندارند. گولن اینجا مفهوم انسان فعال را مطرح می‌کند. انسان فعال کار می‌کند تا آنجا که جهان بهشت شود. خودش می‌گوید در روز ۳ ساعت برای خواب و ۲ ساعت برای ضروریات کافی است؛ باقی ساعات را باید به خدمت گذراند. این تأکید او نیز به‌شدت به اخلاق پروتستانی شبیه است. این نوع مفهوم‌پردازی در باب خدمت و رابطه آن با رستگاری دو مزیت اساسی برای جنبش آموزشی گولن در برداشت: اولاً، پول و منابع کثیری بدین‌طریق به‌سوی فعالیت‌های جنبش سرازیر شد؛ ثانیاً، این طرز تفکر چنان انگیزه‌ای به معلمان داد که حاضر به فعالیت در سخت‌ترین شرایط شدند. نکته دیگری که در اندیشه گولن بر آن تأکید می‌شود این است که فقط با دانش می‌توان به اسلام خدمت کرد. کسی که دانش دارد برای اسلام و جامعه مفید است و کسی که ندارد حتی

1 The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism

اگر نیتش هم خیر باشد می تواند مضر باشد، زیرا نمی داند برای رسیدن به هر هدف ابزار مناسب چیست و چگونه باید آن را به کار برد. براین اساس، یکی از اهداف اصلی اندیشه گولن جنگ علیه جهالت است. تدریس دانش به هر کس که باشد در حقیقت جنگ علیه جهالت است و بی گمان جنگ علیه جهالت خدمت به اسلام است. گولن معتقد است آنچه برای انسان خوب است برای اسلام هم خوب است (کدیور، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۳).

تبیین جامعه‌شناختی جنبش گولن

نظریه بسیج منابع از مهم‌ترین نظریه‌های تبیین‌کننده جنبش‌های اجتماعی-سیاسی است. این نظریه در آرای اقتصادی ریشه داشت، اما دو جامعه‌شناس به نام‌های مایر زالد^۱ و جان مک‌کارتی^۲ آن را توسعه دادند. آنها اولین کسانی بودند که این اصطلاح را به این شکل مطرح کردند و عقاید بسیاری را پروردند که برنامه تحقیقات تجربی تحت تأثیر این نظریه بر مبنای آنها قرار گرفت. زالد و مک‌کارتی مخصوصاً بر «سازمان‌های جنبش اجتماعی»^۳ تمرکز و استدلال کردند که قبل از هر چیز تقویت چنین سازمان‌هایی بود که باعث رشد بی‌سابقه جنبش‌های اجتماعی در دهه ۱۹۶۰ شد. به نظر زالد و مک‌کارتی، حرفه‌ای شدن سازمان‌های جنبش اجتماعی، که مسئول افزایش فعالیت این جنبش‌ها هستند، باعث توسعه فرصت‌های حرفه‌ای برای افرادی می‌شود که آنها را به کار می‌برند. از نظر زالد و مک‌کارتی، منابع اصلی مورد نیاز برای جنبش‌های اجتماعی عبارت‌اند از مشروعیت، پول، کار حامیان و امکانات، اما در عمل منبعی که آنها بیش از همه بدان توجه دارند پول است. به عقیده زالد و مک‌کارتی، سازمان‌های جنبش اجتماعی با هم رقابت می‌کنند تا در یک گروه اجتماعی «هواداران» را، که با اهداف جنبش هم‌فکری دارند، به «اعضا»، که منابع جنبش را تأمین می‌کنند، تبدیل سازند. از این جهت «هواداران آگاه» اهمیت ویژه‌ای دارند، چراکه احتمالاً از منابع مهمی برخوردار هستند (نش، ۱۳۸۸: ۱۴۹-۱۴۸). بعدها چارلز تیلی^۴ نظریات زالد و مک‌کارتی را درباره بسیج منابع تکمیل و این نظریه را به یکی از پرنفوذترین نظریات تبیین‌کننده جنبش‌های اجتماعی تبدیل کرد.

1 Mayer Zald

2 John McCarthy

3 Social movement organization

4 Charles Tilly

نظریه بسیج منابع بر منابعی تأکید می‌کند که برای شکل‌گیری و رشد جنبش لازم‌اند. فرض مهم این نظریه این است که جنبش‌های اجتماعی بدون منابع فراوان شامل پول، نیروی کار، تسهیلات اداری و دفتری، تجهیزات ارتباطی، دسترسی به رسانه‌های گروهی و تصویر مردمی مثبت نمی‌توانند به توفیق برسند و حتی در سطحی جدی شکل بگیرند. در کل، ظهور و افول جنبش‌ها وابسته به توان آنها برای جذب منابع، بسیج مردم و شکل‌دادن به ائتلاف است (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

نگاهی به جنبش فتح‌الله گولن نشان می‌دهد که این جنبش دارای بخش اعظم منابع مطرح در «نظریه بسیج منابع» برای رشد و گسترش خود است. انطباق جنبش گولن با نظریه بسیج منابع را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

الف) شبکه حلقه‌های محلی: یکی از رمزهای موفقیت جنبش گولن و طرح‌های ملهم از ایده‌های او را باید در حلقه‌های بی‌شمار محلی جست که شامل صاحبان کسب‌وکار، متخصصان و کارگران در شهرهای بزرگ و کوچک مناطق روستایی ترکیه می‌شود. مدل حلقه‌های محلی در قالب گونه‌ای از گروه اجتماعی یعنی جماعت شکل گرفت. درون جماعت‌ها «صحبت»^۱ یا گروه‌های کوچکی ایجاد شدند که نه عضویت رسمی داشتند، نه تشریفات پذیرش و دارای مکان خاصی برای برگزاری جلسات هم نبودند. آنها شامل افرادی هستند که برای خواندن تفسیر قرآن، سنت نبوی و آثار عالمان اسلامی، مشارکت در ایده‌ها و حوائج افراد در گروه و تعیین طرح‌های خدمت‌رسانی مورد حمایت مالی، به‌طور مرتب جلسه تشکیل می‌دادند.

گولن توانست ساختار «صحبت» را به شیوه‌ای برای تشویق کسانی تبدیل کند که با الهام از ایده‌های او دور هم جمع می‌شدند و دربارهٔ ربط و مناسبت این ایده‌ها با جامعهٔ معاصر ترکیه بحث می‌کردند. مردم ترکیه با حلقه‌های محلی مانوس بودند و بسیاری از آنها قبلاً به‌واسطهٔ شغل، اطرافیان یا علایق و منافع خاص به چنین حلقه‌هایی تعلق داشتند. بنابراین، برای این حلقه‌ها، تمرکز بر ایده‌های توصیه‌شدهٔ گولن امری طبیعی بود، کسی که توده‌های خلق را به خود جلب کرده و الهام‌بخش امید تازه‌ای برای آیندهٔ ترکیه و به‌ویژه نسل جوان ترک بود (اباگ، ۲۰۱۰: ۴۹).

ب) عضوگیری گروهی: سازماندهی براساس گروه‌های طبیعی همچون متخصصان یا گروه‌های شغلی باعث تسهیل روند عضوگیری نیز می‌شود. عضوگیری گروهی از گروه همبستهٔ از پیش موجود بازنمایانندهٔ کارآمدترین شکل عضوگیری است. جنبش‌هایی که بر گروه‌های

از پیش موجود یا طبیعی متمرکز می‌شوند و بینش مبتنی بر تغییر خود را به فرهنگ این گروه‌ها پیوند می‌زنند، کارآمدتر از اقداماتی هستند که برای جذب انفرادی افراد تازه صورت می‌گیرند. عضوگیری انفرادی مستلزم سرمایه‌گذاری مالی هنگفت و بسیار تدریجی‌تر و کندتر از عضوگیری گروهی است. با نگاهی به جنبش گولن و به‌ویژه ساختار حلقه‌های شبکه‌ای آن می‌توان دریافت که به‌خوبی از عضوگیری گروهی بهره گرفته شده و گروه‌هایی با هویت‌های متمایز و شبکه‌های فشرده میان‌شخصی، به‌نحو عالی سازمان یافته و از این‌رو به‌سهولت بسیج شده‌اند.

ج) بخشش مالی: بخشش مالی مؤلفه‌ای ذاتی در میان حامیان جنبش گولن است. او در موعظه‌ها و آثارش سال‌هاست که حامیان خود را تشویق می‌کند به هر نحو ممکن بخشش کنند. از جمله خدمت‌کردن در مدارس، بیمارستان‌ها و آژانس‌های امدادسانی و نیز حمایت مالی از طرح‌های خدمت‌رسانی. در نتیجه، حامیان زیادی، به‌ویژه در سال‌های اولیه جنبش، در مدارس آموزشی حضور یافتند، مدیران و معلمان مدارس از گولن الهام گرفتند و از زندگی و مال و منال خود مایه گذاشتند تا سهمی در ایجاد انواع مدارس با کیفیتی که گولن برای جامعه ترکیه در سر می‌پروراند داشته باشند. او پیوسته کارفرمایان متمول و خرده‌صاحب‌کاران را به‌طور یکسان تشویق می‌کرد تا از آموزش باکیفیت و تأمین بنیادهایی برای پشتیبانی از مدارس ابتدایی و عالی و خوابگاه‌ها و مدارس مقدماتی برای گذر از آزمون دانشگاه حمایت کنند و اعانه‌هایی را در این جهت فراهم کنند. او حامیان را به رشد و توسعه هر چه بیشتر کسب‌وکارشان تشویق می‌کرد، به‌ویژه در سطح جهانی که او آن را آینده اقتصادی جهان می‌دید. گولن می‌گفت یک بازار آزاد قوی برای تولید ثروت اقتصادی لازم است تا بتواند حامی نظام آموزشی مدرن باشد (همان: ۵۰).

د) تعهد سازمانی: درباب مسئله کسب منابع لازم برای توفیق جنبش، جای این پرسش هست که چرا میلیون‌ها نفر از مردم از حیث صرف وقت، درگیری عاطفی و تأمین بودجه برای دستیابی به اهداف جنبش، خودشان را به جنبش متعهد کرده‌اند. تعهد متضمن این است که فرد تقدیر شخصی خود را با فرجام جمع یکی بداند. تشدید تمایل به سطوح عالی تلاش و مجاهدت، تداوم عضویت در سازمان، پذیرفتن اهداف و ارزش‌های اصلی آن، و ارزش درخور قائل‌شدن برای سازمان نوعاً برحسب به‌هم‌آمیختگی

(اختلاط) ویژگی‌های شخصی و سازمانی تبیین شده است. به اعتقاد روزبت کانتر^۱ بقای در گرو توجه به سه چالش اساسی تعهد است:

اولاً، افراد به این درک برسند که نفع و علاقه خودشان را به واسطه مشارکت در گروه تداوم می‌بخشند. ثانیاً، افراد انسجام و همبستگی کارآمدی را با گروه احساس کنند. ثالثاً، فرد مرجعیت اخلاقی و متعالی را در گروه تجربه کند. این سازوکارها روی هم استراتژی‌هایی هستند که از طریق آنها گروه تلاش می‌کند ارزش دیگر تعهدات ممکن را تقلیل دهد و ارزش تعهد به گروه را بالا ببرد. به دیگر سخن، این فرآیندها، فرد را هم از حق انتخاب‌های دیگر جدا می‌سازد و هم او را به جمع پیوند می‌دهد. پژوهش کانتر به خصوص ثابت کرد که تناظری مثبت میان اینار و فداکاری و سرمایه‌گذاری برحسب ایجاد تعهد وجود دارد و افراد ارزش والایی برای اهداف گروه قائل‌اند. کمک‌های مالی در پروژه‌های ملهم از نظریات گولن نه تنها آشکارکننده باور به اهداف جنبش است، بلکه خود همین بخشش سازوکاری برای درگیری و ملازمت با گروه تلقی می‌شود.

در صورت‌بندی کانتر، اهداف گروه با درک و حس خود فرد از اهداف و معنای زندگی آمیخته و متلاقی می‌شود. اهداف گروه به درک فرد از خودش دامن می‌زند و گروه بسط و امتدادی از خود فرد انگاشته می‌شود، لذا به نحو غیرقابل تمییزی شخص و گروه را به هم می‌پیوندند و این نخستین مواجهه با چالش‌های بنیادی کانتر برای بقا و توفیق گروه است. داده‌ها حاکی از آن است که حامیان جنبش گولن اهداف جنبش را به منزله اهداف شخصی خود می‌انگارند. عضو بودن در جنبش گولن، مشارکت در حلقه‌های محلی و ارائه کمک به پروژه‌های تحت حمایت جنبش محور هویت آنها را شکل می‌دهد. علقه‌ها و الفت‌های عاطفی، که به تدریج در خلال کار مشترک درباب پروژه‌های هدفمند در میان گروه شکل می‌گیرد، دومین چالش سازمانی مورد نظر کانتر را برآورده می‌کند. این واقعیت که بسیاری از حلقه‌های محلی متکی بر افرادی است که علایق و منافع شغلی مشترکی دارند، باز هم بر پیوستگی موجود در گروه می‌افزاید. مشارکت تجلی و نمود تعلق داشتن به گروه خاص اجتماعی و دریافت اجر فردی در ازای جزئی از جمعی کلان بودن است. همچنین مشارکت پرشور در شبکه‌ای از مناسبات پرشتاب و پایدارتر باعث بسیج یک جنبش می‌شود. جنبش گولن تمایل فرد را به درگیری و مشارکت با سایر افراد هم‌عقیده در پروژه‌های خدمت‌رسانی تسهیل می‌کند و بدین نحو آن را افزایش می‌دهد.

1 Rozabeth Kanter

سومین چالش یعنی تجربه مرجعیت اخلاقی و متعالی در گروه نیز به واسطه مباحث مستمر پیرامون آموزه‌های گولن و حضور در جلسات قرآنی و احادیث نبوی حاصل می‌شود. بدین‌سان، هدف و انگیزه‌ای که در پس پروژه‌های خدمت‌رسانی وجود دارد، صرفاً کمک‌کردن به سایر مردم نیست، بلکه بیشتر از این باور نشئت می‌گیرد که این خدمات جزئی از خلقت مدام خدا و شفقت او به امت خود است.

کانتز می‌گوید سازوکار دیگر برای تعهد فردی به حیات و اهداف گروه ایثار و از خودگذشتگی است. صرف‌کردن وقت و منابع برای گروه نه تنها نشان‌دهنده تعهد به گروه است، بلکه عامل ایجاد تعهد نیز تلقی می‌شود. همان‌گونه که افراد در جنبش گولن منابع شخصی خود را برای بقای پروژه‌های گروه می‌بخشند، خود همین فعل بخشش، تشدید تعهد به گروه و اهداف آن را در پی دارد. آرمان‌های بنیادین اسلامی، که برانگیزاننده اعضای جنبش گولن به وقف زمان، نیروی کار و کمک‌های مالی به پروژه‌های ملهم از عقاید گولن هستند، هم‌زمان تعهدی قوی را در افراد پی می‌افکنند. نقطه قوت اصلی در حلقه‌های محلی مباحث پیگیر در مورد این مفاهیم مبتنی بر قرآن، سنت نبوی و آثار گولن است. بنابراین، حلقه‌ها انگیزه معنوی برای بخشش فراهم می‌سازند و جایگاهی به مراتب بیشتر از صرف جمع‌آوری پول دارند. ساختاری که در درون جنبش گولن به تدریج شکل می‌گیرد، آگاهانه یا ناآگاهانه، در اصول محکم تشکیلاتی ریشه دارد و بازتاب آن را می‌توان در رشد جهان‌بینی جنبش مشاهده کرد (اباگ، ۲۰۱۰: ۶۴-۶۳).

دلایل اهمیت جنبش گولن

جنبش گولن به دلیل منابع مالی، شبکه وسیع آموزشی و رسانه‌هایش در ترکیه و جهان بسیار مهم است (همان: ۱۸۴). بحث درباره اهمیت جنبش گولن مستلزم بررسی ساختار سازمانی خود جنبش و نیز جایگاه جنبش در نظم سیاسی و اقتصادی ترکیه و نفوذ آن در خارج است. گولن رهبر جنبش است و نظم سلسله‌مراتبی از بالا به پایین و از طریق تعدادی ایلر^۱ (برادران بزرگ‌تر)، که روزبه‌روز بر تعدادشان افزوده می‌شود، بسط می‌یابد. پس از بازترشدن فضای سیاسی ترکیه در دهه ۱۹۸۰، جنبش گولن جایگاه ویژه‌ای در ترکیه به دست آورده است. هدف و موضع این جنبش ترویج گفتمان اسلامی بردبارانه و پرهیز از ورود به هر موضوع جنجال‌برانگیز یا حتی بحث‌های عمومی است. این موضع محتاطانه باعث نوعی محدودیت

1 Abilar

خودساخته می‌شود. جنبش گولن درصدد پیوستن به جهان مدرن از طریق آشتی‌دادن ارزش‌های مدرن و سنتی است. این تلاش برای ایجاد ترکیبی از عقاید، مشابه تلاش‌هایی است که آخرین متفکران ملی‌گرای امپراتوری عثمانی در پیش گرفته بودند؛ مثلاً ضیاگوگ‌آلپ بر لزوم ترکیب عناصر برگرفته از فرهنگ ترکیه با عناصر مبتنی بر علوم و فن‌آوری غربی تأکید می‌کرد. گولن و هوادارانش با پذیرش تمدن غربی به‌عنوان بنیادی مستحکم برای حیات مادی و درعین‌حال با درنظرگرفتن تمدن اسلامی به‌عنوان بنیادی مناسب برای حیات معنوی انسان، درواقع، یک گام از گوگ‌آلپ جلوتر می‌روند، اما باید به این نکته توجه کرد که جنبش گولن با ویژگی محافظه‌کار خود برای کسانی جذابیت دارد که معتقدند نظام سیاسی ترکیه بیش‌ازحد بر سکولاریسم و مدرن‌شدن تأکید می‌کند (ارس و کاه، ۱۳۸۱: ۷۵).

یکی دیگر از راه‌های ملاحظه‌جایگاه جنبش گولن در ترکیه این است که جماعت گولن را یکی از بسیار سازمان‌های دیگر جامعه مدنی ترکیه در نظر بگیریم. به‌رغم ساختار سازمانی سلسله‌مراتبی، این جنبش توانسته است، به‌علت استقلال از قدرت دولت، نقش مهمی در جامعه ایفا کند و این یکی از ویژگی‌های مهم سازمان‌های جامعه مدنی است. این جنبش بخش بزرگی از جامعه را که به دولت وابستگی ندارد بسیج می‌کند. این جنبش را باید جدا از بخشی دانست که از دیرباز وابستگی نزدیکی به دولت داشته است. در همان اوایل سال‌های ۱۹۲۰، استراتژی خلق بورژوازی بومی و ملی شروع شد و نتیجه این استراتژی به‌وجودآمدن گروهی اجتماعی برخوردار از پادشاهی ویژه و اقدامات حمایتی بود. برخی از صنعتگران بسیار ثروتمند که مناسبات محکمی با دستگاه دیوان‌سالاری دولت داشتند به وجود آمدند. با توجه به تمایل دولت برای سپردن اهرم کنترل اقتصاد ترکیه به این صنعتگران ثروتمند، رقابت از میان رفت و اراده سیاسی مردم کارآمدی خود را از دست داد و از نظر توانایی برای تأثیرگذاری بر اقتصاد حتی بی‌معنی شد. با این‌حال، در سال‌های دهه ۱۹۹۰، سیاست‌های اقتصادی به سمت آزادی‌گرایی یافت و کانون توجه به صنعتی‌سازی متمایل به صادرات، موجب ظهور بازرگانان جدید، پویا، کوچک یا متوسط متمایل به صادرات تغییر یافت که بسیاری از آنان در شهرهای سنتی محافظه‌کاران آناتولی مستقر هستند و این بخش از جامعه را جنبش گولن بسیج کرده است. طبقه اقتصادی نوظهور متمایل به صادرات به‌نوعی با ساختار اقتصادی موجود به چالش برخاسته و برای پایان‌دادن به سیاست‌های نابرابر به دستگاه دیوان‌سالاری دولت فشار وارد می‌کند.

جنبه اقتصادی جنبش گولن با تمرکز بر کار و تلاش‌های منضبط که از ارزش‌های ملی و مذهبی گرفته است آن را با جنبش پروتستانی قرن شانزدهم مقایسه‌پذیر می‌کند. همان‌گونه که وبر در کتاب کلاسیک اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری می‌گوید: «ارزش‌های مذهبی-

معنوی می‌توانند مردم را به کار سخت و انباشت ثروت ترغیب و تشویق کنند». در ترکیه با توجه به اجبار قانونی بر پیروی از الگوی سخت‌گیرانه دولت سکولار، شهروندان ممکن است بخواهند عبادت بی‌خطر را از طریق کار سخت برای دستیابی به نوسازی اقتصادی و توسعه برگزینند، یا اینکه ممکن است به خودتأدیبی مطلوب اسلام هنگام کار سخت توجه کنند. درحقیقت، گولن از اصطلاح «خدمت» برای بیان این نکته استفاده می‌کند که پایانی برای خدماتی متصور نیست که به منظور ساختن جامعه‌ای آرام و صلح‌آمیز انجام می‌گیرد. درعین‌حال، او می‌گوید که انرژی شخص برای خدمت‌کردن از اعتقادات سرچشمه می‌گیرد و خدمت‌کردن به جامعه‌ای که شخص در آن زندگی می‌کند مهم‌ترین راه جلب رضایت خداوند و دستیابی به بهشت ابدی است. این استدلال مشابه همان چیزی است که وبر «اصول ریاضت دنیوی» یا همان اصول لازم برای توسعه سرمایه‌داری می‌نامد (همان: ۷۸-۷۶).

جنبش فتح‌الله گولن از جهات بسیاری پراهمیت و شایان توجه است. جنبش‌های اسلامی حاضر در جهان اسلام اکثراً سیاسی هستند، اما جنبش آموزشی فتح‌الله گولن در درجه اول جنبشی غیرسیاسی است، با وجود این نوع جهت‌گیری آن پیامدهای سیاسی مهمی در پی دارد. تربیت مسلمان مدرن، دارای اخلاق اسلامی و آموزش‌دیده با علم و دانش معاصر نتیجه فعالیت‌های این جنبش بوده است که لاجرم اثرگذاری سیاسی در پی خواهد داشت. جنبش گولن نوعی اخلاق اسلامی به وجود آورده است که پایه و مایه آن مسئله آموزش است. پیروان این جنبش با مشارکت در نهادهای آموزشی به بخشی از جامعه مدرن دنیا تبدیل می‌شوند. درواقع، جنبش گولن مسلمان‌هایی مدرن بار می‌آورد که در عمل به شکل‌گیری جامعه مدرن کمک می‌کنند. پس یکی از وجوه اهمیت گولن آن است که برخلاف جنبش‌های بنیادگرا نه تنها در برابر شکل‌گیری جامعه مدرن مقاومت نمی‌کند، بلکه به شکل‌گیری آن نیز کمک می‌کند. دومین وجه اهمیت جنبش گولن را می‌توان انعکاس آن در شکل‌گیری فرهنگ توسعه در ترکیه دانست. اخلاقی که گولن مفهوم‌پردازی می‌کند بسیار به اخلاق پروتستانی شبیه است. اخلاق گولن نیز با ترسیم مرگ در پیش روی انسان بر لزوم خدمت تأکید بسیاری دارد. این خدمت در درجه اول در قالب کار بی‌امان متبلور می‌شود. شکل‌گیری چنین گفتمانی باعث شده است که مسلمانان در فرآیند توسعه در ترکیه با نیرو و توان بسیاری مشارکت کنند. تبلور این امر را می‌توان در حضور پررنگ مسلمانان در صنعت نساجی مستقر در آناتولی دید. فعالیت‌های گولن تا سال ۱۹۹۰ چنان گسترده شده بود که جنبش حتی جنبه‌ای بین‌المللی به خود گرفت. جنبش در ۱۹۹۷ بیش از ۲۶۵۰۰ دانش‌آموز در دنیا داشت. اما به‌راستی اهمیت یک جنبش آموزشی چه می‌تواند باشد؟ در پاسخ باید تصریح کرد مشارکت در بخش آموزشی نتایج بسیار

مهمی دارد، آموزش وسیله بسیار مهمی برای ایجاد سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی می‌تواند به شکل سازمان‌های اجتماعی مثل شبکه‌های هنجارها و شبکه‌های اعتماد دربیاید؛ این شبکه‌ها کارآمدی جامعه را با اعمال هماهنگ بهبود می‌دهند. سرمایه اجتماعی همچنین در شکل‌گیری سرمایه اقتصادی نیز تأثیر به‌سزایی دارد. همچنین از رابطه آموزش و تغییر اجتماعی نیز نمی‌توان غافل بود. این نیروهای انسانی هستند که تغییرات اجتماعی را شکل می‌دهند و این نهاد آموزشی است که این نیروهای اجتماعی را ایجاد می‌کند. در نتیجه همین رابطه آموزش و تغییر اجتماعی بوده است که از ۱۹۹۹ مخالفت‌هایی با گولن صورت گرفت. گولن با نهادهای آموزشی گسترده‌اش توانسته بود نسلی را به وجود بیاورد که تحصیل کرده، کاردان و آشنا با جهان مدرن بود و در عین حال از نظر ارزشی با نخبگان کمالیست تفاوت داشت. به این ترتیب، این نسل جوان خود را جانشینی برای نخبگان کمالیست مطرح کرد. جنبش گولن گرچه کاملاً غیرسیاسی بوده است، به جهت تغییرات اجتماعی که پدید آورده به صورت بالقوه توان اثرگذاری در حوزه سیاسی را نیز داراست. گولن بر آن است که از مجرای آموزش از افول مسلمانان جلوگیری کند. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های گفتمان گولن پیوند اسلام و آموزش است. بر این مبنای گولن در برابر اسلام‌گرایی سیاسی اسلام‌گرایی آموزشی را مطرح می‌کند. با وجود این، عقاید او یک رشته عقاید جزمی و ایدئولوژیک نبوده است و در اثر تجربه آموزشی در طول زمان متحول شده است (کدیور، ۱۳۸۶: ۵۰).

نتیجه‌گیری

با وجود جهانی بودن فعالیت‌های گولن و گستردگی آن، جنبش او قطعاً ترکی است؛ نه تنها به دلیل این واقعیت که اکثر حامیان او ترک هستند، بلکه به این دلیل که در شرایط سیاسی-تاریخی خاص به وقوع پیوسته است. بعید است که جنبش گولن با همان کیفیت می‌توانست در کشورهای دیگر شکل بگیرد. علتش هم وضعیت خاص تاریخی است که جنبش در طی آن دوره زمانی اتفاق افتاد. تکامل جنبش گولن به‌طور روزافزونی متأثر از شرایط تاریخی-اجتماعی ترکیه و تحولات این کشور پس از سال‌های ۱۹۶۰ و در طی چهار دهه است (اباگ، ۲۰۱۰: ۱۱۰). درباره جنبش گولن چند نکته مهم وجود دارد:

۱. در این جنبش فرهنگ اسلامی و ترک برای ایجاد سنت دیرپا و غنی بخشش کردن در ترکیه، با هم ادغام شده‌اند. در این بستر راحت می‌توان فهمید که دلیل موفقیت گولن توانمندی آن در جلب اعتماد مردم به واسطه بهره‌برداری از شبکه انگیزه‌های نوع‌دوستانه‌ای است که قبلاً در ترکیه وجود داشت.

۲. یک فرهنگ تشکیلاتی بر هریک از مؤسساتی که با الهام از ایده‌های گولن ایجاد شده‌اند حاکم است. همچنین آرمان‌هایی چون آموزش به جوانان با تلفیق معنویت و تربیت فکری، فراهم کردن تعلیم و آموزش مدرن در تمامی عرصه‌های زندگی، تأکید بر ناسیونالیسم ترک، شناختن قدر گذشته ترکیه، گفتگو میان فرهنگ‌ها و اهل ایمان، تساهل در برابر ایده‌ها و عقاید مختلف، عشق و احترام به کل بشریت، نگاه جهانی، خدمت‌رسانی و کمک به هم‌نوع در سرتاسر این تشکیلات به چشم می‌خورد. این آرمان‌ها به قدری نافذند که مشخصه سازمان‌هایی با اوصاف مشترک هستند.

۳. التزام به حلقه‌های محلی همراه با اعانه‌های مالی، نوعی تعهد به جنبش ایجاد می‌کند که به گسترش آن در بالغ بر صد کشور از پنج قاره منتهی شده است.

۴. جنبش گولن یک ابتکار مدنی است که در حال حاضر در سرتاسر جهان از طریق ترک‌های پراکنده در سطح جهان گسترش یافته است. اهداف بنیادین این جنبش منجر به این شده است که جنبش گولن به‌عنوان بازیگری مهم در ترغیب و ارتقای همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح جهانی باز شناخته شود.

۵. جنبش گولن در واقع جنبشی سیاسی نیست، بلکه بیشتر صبغه جنبشی اجتماعی را دارد که قصدش تغییر قلوب و اذهان افراد در جهت تساهل پر دامنه، مسئولیت اجتماعی و مدرن‌سازی از طریق دستاوردهای آموزشی و علمی است.

۶. هیچ شاهد و قرینه‌ای به نفع این مدعا وجود ندارد که گولن و پیروان او به‌نحو نظام‌مند یا حساب‌شده قصد کودتا یا تصرف زمامداری حکومت را داشته باشند. پیروان گولن بر تغییر ساختار سیاسی چه در ترکیه و چه سایر کشورهایی که در آنها فعال‌اند متمرکز نیستند.

۷. منتقدان گولن بیم آن دارند که ایده‌های او بازگشتی به رسوم و ارزش‌های سنتی است که با مدرن‌سازی و پیشرفت و توسعه علمی و نیز دموکراسی سازگاری ندارد. به بیان دیگر، آنها معتقدند جنبش و ایده‌های گولن هیچ عاقبت خوشی برای ترکیه ندارد، چراکه آنها خواستار رجعت به دوره ماقبل جمهوری هستند و به جای تعقل و پرسشگری بر جزمیات غیرعلمی تأکید دارند. اما برعکس این ادعا، گولن همواره پیروانش را به کسب بهترین و پیشرفته‌ترین آموزش ممکن، به‌ویژه در علوم، به منظور کمک به مدرن‌سازی ترکیه تشویق می‌کند. از حیث علمی و مدرن‌سازی تکنولوژیک، مؤسسات وابسته به گولن در صف اول حرکت ترکیه به سوی جهان مدرن و رقابتی قرار دارند.

۸. هدف جنبش گولن ایجاد فرقه‌ای در اسلام یا ترکیه نیست. جنبش او باند و جناحی دارای عقیده مخالف نیست که حول یک علقه، باور یا آرمان شهر مشترک گرد آمده باشند، بلکه

اعضای جنبش به گفت‌وگو و تعامل با شهروندان هم‌نوع از تمامی کیش‌ها، نژادها و موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی تشویق شده‌اند. گولن پیوسته وابستگی متقابل اخیر اجتماعات را به مردم یادآوری می‌کند و اینکه هرگونه تغییر هدمند و معنادار در کشور فقط توسط آن کشور رقم نمی‌خورد، چون ما در دوره‌ای از مناسبات متقابل قرار داریم که باعث قرابت میان ملل و ممالک می‌شود. او قائل به این است که تفاوت در باور، نژاد، رسوم و سنن بر غنای جهان می‌افزاید و باید به خیر مشترک از طریق مناسبات صلح‌آمیز و محترمانه ارج نهاده شود. این به معنای تضعیف باورها و شعائر نیست بلکه احترام و رعایت دیگرانی است که تعهدات ما را تصدیق می‌کنند.

۹. گولن برخلاف برخی روشنفکران ترکیه و سرتاسر جهان اسلام، مخالف ایده برابری مدرن‌سازی با غربی‌سازی است. او اسلام را دینی عقب‌مانده تلقی نمی‌کند که سدی در برابر پیشرفت است. در عوض، اسلام را راهی اوسط می‌داند که رویکرد علمی مدرن را نفی یا طرد نمی‌کند، ولی به آن قداست هم نمی‌بخشد و از آن بت نمی‌سازد.

۱۰. در نظرگاه گولن، شرایط اقتصادی، فساد در دولت یا دلایل ایدئولوژیک توجیه‌کننده توسل به خشونت نیست. او احترام به حاکمیت قانون و یافتن راه‌حلی صلح‌آمیز را برای نزاع میان افراد و دولت توصیه می‌کند. او این فلسفه را رد می‌کند که خشونت وسیله‌ای مشروع برای هدف است. راه‌حل گولن برای نارضایتی و منازعات انسانی تغییر شخص است. برای رفع مسائل اجتماعی نظیر فقدان آموزش، فقر، وضعیت نامطلوب در جامعه و نزاع میان گروه‌ها، گولن طرفدار آموزش، احترام متقابل، فراهم کردن فرصت برای افراد و ایجاد امید برای اصلاح فرد و نهایتاً جامعه است. گولن در سرتاسر گفتار و آثارش بر اجتناب از نزاع سیاسی و ایدئولوژیک تأکید می‌ورزد.

جنبش اسلام‌گرای ترکی فتح‌الله گولن یکی از جالب‌توجه‌ترین نمونه‌های تفکر اسلام‌گرا در خاورمیانه است. پیروان گولن سعی دارند جنبشی دینی - سیاسی به نفع نوگرایی، ناسیونالیسم ترکی، بردباری و مردم‌سالاری بدون فداکردن تعالیم دینی به وجود آورند. توانایی گروه در آشتی‌دادن ارزش‌های اسلامی - سنتی با زندگی جدید و علوم روز، مخاطبان گسترده‌ای پیدا کرده است. این گروه حتی اندیشه‌ها و افراد متفاوت را شامل فقیر و غنی، تحصیل‌کرده و بی‌سواد، ترک و کرد و همچنین مسلمان و غیرمسلمان گرد هم آورده است. جنبش گولن می‌تواند الگویی برای آینده فعالیت سیاسی و اجتماعی اسلامی باشد.

منابع

- آگای، بگیم (۱۳۸۶) «نسخه‌ای عمل‌گرایانه برای جنبش اصلاح‌گرای اسلامی»، ترجمه کامیار سعادت‌ی، *اخبار ادیان*، سال پنجم، شماره ۲۳: ۳۰-۳۳.
- ارس، بولنت و عمر کاها (۱۳۸۱) «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌الله گولن»، ترجمه اسدالله اطهری، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال نهم، شماره ۴: ۵۹-۸۲.
- حیدرزاده نایینی، محمدرضا (۱۳۸۰) تعامل دین و دولت در ترکیه، تهران: وزارت امور خارجه.
- خیرخواهان، جعفر (۱۳۹۱) «ببرهای آناتولی: همزیستی اسلام ترکی با نظام بازار آزاد: موردکاوی جنبش فتح‌الله گولن»، *چشم‌انداز ایران*، شماره ۶۷: ۱۳۷-۱۱۷.
- دوغانو، محمد و اسماعیل کارا (۱۳۸۰) *ریشه‌های غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی در ترکیه*، ترجمه و اقتباس داود وفايي، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- زارع، محمدرضا (۱۳۸۳) *علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- سیاری، صبری (۱۳۷۶) *جریانات اسلامی در ترکیه*، ترجمه احمد صادقی، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.
- قهرمان‌پور، عسگر (۱۳۹۰) «پدر اسلام سیاسی یا اجتماعی؟»، *مهرنامه*، شماره ۱۰: ۱۰۴-۱۰۵.
- کدیور، محمدعلی (۱۳۸۶) «پدر نسل طلایی: جنبش آموزشی فتح‌الله گولن در ترکیه»، *شهروند امروز*، یکشنبه ۷ مرداد، شماره ۳۹: ۵۴-۵۰.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱) *درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- نش، کیت (۱۳۸۸) *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویبر.
- نورالدین، محمد (۱۳۸۳) *ترکیه جمهوری سرگردان: بررسی روابط دینداران و سکولارها در جامعه ترکیه*، ترجمه سیدحسین موسوی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و استراتژیک خاورمیانه.
- واعظی، محمود (۱۳۸۷) «تجربه جدید در ترکیه: تقابل گفتمان‌ها»، *راهبرد*، شماره ۴۷: ۴۴-۶۵.
- Ebaugh, Helen Rose (2010) *The Gülen Movement: A Sociological Analysis of a Civic Movement Rooted in Moderate Islam*, New York: Springer.
- Simsek, Sefa (2004) "New Social Movements in Turkey since 1980", *Turkish Studies*, 5 (2): 111-139.
- Tatari, Eren (2008) "Islamic Social and Political Movements in Turkey", *The American Journal of Islamic Social Sciences*, 4 (3): 71-98.
- Turam, Berna (2007) *Between Islam and the State: The Politics of Engagement*, California: Stanford University Press.

Yavuz, M. Hakan (2003) *Islamic Political Identity in Turkey*, London: Oxford University Press.

